

## جهانی‌سازی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

جلال درخشه<sup>۱</sup>  
مسعود رحمتی<sup>۲</sup>  
محمدجواد جاوری<sup>۳</sup>

### چکیده

جهانی‌سازی یکی از موضوعات مهم عصر کنونی است که برای جوامع اسلامی به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم و چالش‌برانگیز به شمار می‌رود. شناخت مفهوم واقعی جهانی‌سازی، چگونه محقق شدن جهانی‌سازی واقعی، راهکارهای مقابله با جهانی‌سازی، اهداف مهم جهانی‌سازی و راه ورود به جهانی‌سازی، از جمله مسائل مهم و در خور توجهی است که این مقاله می‌کوشد تا به آن‌ها بپردازد. رجوع به اندیشه و آرای رهبران دینی برای پاسخ به پرسش‌های مذکور، از اهمیت بسزایی برخوردار است. سؤال اصلی مقاله حاضر چیستی مفهوم جهانی‌سازی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و چگونگی مدیریت مطلوب جهانی در پرتو قرائت خاص گفتمان انقلاب اسلامی ایران است. بر این اساس مجموعه سخنان و بیانات ایشان از ابتدای تصدی جایگاه رهبری تاکنون، به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. محققین در این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا، جهت‌گیری‌ها، نقاط تأکید ایشان و تحلیل توجیهی، جهانی‌سازی را واکاوی و دسته‌بندی نموده و نشان داده‌اند که در نظر آیت‌الله خامنه‌ای؛ «جهانی‌سازی، جهانی‌شدن و جهانی‌گری» همه عناوین فریبنده و وارداتی غربی است که تحت عنوان یک تئوری شبه‌روشن‌فکرانه؛ وارد فرهنگ کشورها گردیده و هدف همه این‌ها سیطره بر منابع حیاتی و مالی همه دنیا و بلعیدن بیشتر دنیاست. از این‌رو، به عقیده ایشان تحقق صحیح جهانی‌سازی نیازمند مدیریت عرصه تحولات جهانی از قبیل حفظ استقلال کشورها، مقاومت ایجابی بنیان‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** جهانی‌سازی، جهانی‌شدن، آیت‌الله خامنه‌ای، اندیشه سیاسی.

**Email:** j.dorakhshah@yahoo.com

۱- استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

**Email:** ms.rahmaty@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

**Email:** Javadmohamad69@yahoo.com

۳- کارشناسی ارشد دانشگاه معارف قرآن و عترت (ع) اصفهان (نویسنده مسئول)

## مقدمه

مصلحان اجتماعی و صاحب‌نظران فلسفه سیاسی، درمان دردهای جامعه بشری و برطرف شدن تضادها، استثمارها، استبدادها، استعمارها، فاصله ناهنجار کشورها و انسان‌ها و... را در پرتو برپایی نظام واحد و جهانی‌سازی مدیریت اجتماعات انسانی، امکان‌پذیر دانسته‌اند. مدیریت واحدی که از هرگونه جانبداری، نژادگرایی، طبقه‌پروری و... به دور باشد و بر پایه قانون عدل و مساوات با همگان رفتار کند. و نه تنها در روابط فردی و ساختارهای گروهی؛ بلکه در روابط کشورها و روابط میان ملل، قانون عدل و معیارهای انسانی را حاکم سازند. اندیشمندانی که به چنین اصولی رسیدند به اندیشه جهان وطنی گرائیدند، و به شکستن مرزهای جغرافیایی و نژادی و زبانی و... فراخواندند و تلاش کردند هر چه را مانع یکی شدن و یگانگی عالم انسان‌ها می‌شود از سر راه اجتماعات انسانی بردارند (حکیمی، ۱۳۸۱، ۱۰۵).

«جهانی‌شدن» فرایندی است که در پی برخی تحولات جهانی و پیشرفت‌های علمی و فنی در حوزه ارتباطات و رسانه‌ها و تسهیل و تشدید روابط و تعاملات بین ملت‌ها در زمینه‌های گوناگون، ظهور و بروز پیدا کرده است. این جریان به صورت فراگیر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع بشری را درگیر مسائل مشترک و فراگیر و چالش‌های گوناگون نموده و انسان‌ها را با دنیای دگرگون شونده، سیال، گجج‌کننده، نفوذپذیر و غیرمتعین و نا آشنا و فاقد حد و مرز و غیرقابل کنترل، و پیچیده مواجه ساخته است (نکویی سامانی، ۱۳۸۷: ۶۲).

امروزه مطالعات جهانی‌شدن و جهانی‌سازی در کانون توجه مراکز علمی قرار گرفته که به عنوان پیمانکار خاص مراکز قدرت تلاش می‌کنند در راستای منافع کشورهای خود به نظریه پردازی و اشاعه نظریه‌های مد نظر در سطح جهانی اهتمام ورزند. با توجه به اهمیت و حساسیت ویژه موضوع جهانی‌شدن در عصر کنونی و نگاه‌های متفاوت به این موضوع، توسط دانشمندان و متفکران غربی و اصولاً وارداتی و غربی بودن این موضوع و همچنین اثرگذاری آن در زندگی جوامع و نیز کافی نبودن مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه توسط متفکرین اسلامی، شناخت این موضوع از منظر و نگاه اندیشمندان اسلامی و رهبران دینی امری ضروری است. از این رو این مقاله در صدد است به بررسی و احصاء نظر آیت الله خامنه‌ای درباره جهانی‌سازی بپردازد و با توجه به نگاه ویژه و جامع آیت الله خامنه‌ای به این موضوع از ابتدای تصدی رهبری تاکنون، ضرورت انجام پژوهشی در آثار ایشان به منظور یافتن راهبردهای ویژه در این حوزه امری اجتناب ناپذیر است. به همین علت این تحقیق کوشیده است با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری موضوع جهانی‌سازی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، خط مشی‌ها و راهبردهای خاص آیت الله خامنه‌ای در این حوزه را با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا از بیانات ایشان استخراج و به تبیین و بررسی و تحلیل آن‌ها بپردازد. همچنین یکی از اهداف این مقاله تولید ادبیات بومی اسلامی در حوزه جهانی‌سازی و خارج گردیدن از سیطره ادبیات غربی در این حوزه است.

## ۱. مفاهیم و چارچوب نظری

### ۱.۱. مفاهیم

«جهانی‌سازی» موضوعی است که به مجموعه انگیزه‌ها، هدف‌ها و اندیشه‌ها و تلاش‌های کسانی بستگی دارد که در راه این برنامه می‌کوشند و برای تحقق آن بسترسازی می‌کنند و به زمینه‌سازی‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی می‌پردازند. در این نقطه است که نگرش مثبت و منفی نسبت به جهانی‌سازی رخ می‌نماید و ممکن است حرکت جهانی‌سازی مفید، انسانی و رهایی بخش باشد و یا منفی، غیرانسانی و سلطه طلب. اگر هدف و انگیزه از «جهانی‌سازی»، سوق دادن انسان‌ها و جامعه‌ها به شرایط واحد و اقتصادی عادلانه و سطح معیشتی یگانه و دانش و بینش‌هایی فراگیر و همگانی و رفع تبعیض و نابرابری در سطح همه جامعه‌های انسانی می‌باشد؛ آرمانی ارزشمند و مثبت است. چنانکه پیامبران الهی با چنین انگیزه‌ای به تشکیل «امت واحده» و خانواده «خدایی انسانی» دست یازیدند و همه مرزها و حدود سیاسی، اقتصادی، نژادی، جغرافیایی و هر چه را مانع این حرکت بود از میان برداشتند و بشریت را با تمام توان در همه زمینه‌ها به سوی یگانگی و برابری و برادری سوق دادند. اما در برابر این آرمان، انگیزه‌های سیاستمداران یا اقتصاددانان و یا حقوقدانان و یا جامعه‌شناسانی است که در روند «جهانی‌سازی»، به جهان دیگری یعنی به جهانی نابرابر به محوریت و برتری نظام‌های فکری و اقتصادی و سیاسی غرب می‌اندیشند و در راه سلطه‌بخشی و گسترش قلمرو و نفوذ آن اندیشه هستند و هدفشان از جهانی‌سازی، تسلط یک قاره یا بلوک بر کل بشریت است. چنین انگیزه‌هایی که آنها نیز در پشت طرح «تئوری جهانی‌سازی وجود دارد که از نظم نوین جهانی و از سلطه و برتری و قیومیت خود بر کل جهان انسانی سخن می‌رانند. قرن‌ها است که از سوی مصلحان و اندیشمندان، طرح اداره اجتماعات انسانی از یک مرکز و توزیع عادلانه منابع میان همه افراد انسانی، داده شده است و شاید اندیشه سازمان‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای چون سازمان ملل، بانک جهانی، تجارت جهانی (گات) و برخی سازمان‌های فرهنگی چون یونسکو و یا اقتصادی چون سازمان خواروبار جهانی، سازمان بهداشت جهانی و... همه با استفاده از همین زمینه قبلی و تمسک به همین منطق، مطرح شد لیکن در عمل، این نهادها در خدمت هدف دوم استیلای جهانی غرب به کار آمد و از هدف اصلی اعلام شده، دور افتاد. در باب ریشه‌یابی و تحلیل طرح «جهانی‌سازی»، به تفکیک دو جریان منادی «جهانی شدن» باید توجه داشت:

۱. انگیزه کلی دعوت‌گران غرب و نظام سرمایه‌داری که خاستگاهی سودطلبانه دارد و بر منافع و رشد روزافزون سرمایه‌داری جهانی استوار است که جز به خود و دارودسته خود به چیزی نمی‌اندیشد، و همواره و همه روزه از مقدس‌ترین شعارها و آرمان‌ها سوء استفاده می‌کند، و جنگ‌طلبی را «صلح دوستی» و نابود کردن انسان‌ها را «حقوق بشر» می‌نامند و به بردگی کشیدن را «آزادی» و «آزادسازی»، نام می‌گذارد. حتی مؤسسات جهانی چون بانک جهانی، شعبه حقوق بشر سازمان ملل، تجارت جهانی و... را برای گسترش سلطه روزافزون خویش تشکیل می‌دهد. و بدین‌سان دیگر شعارها و آرمان‌های زیبا و انسانی، واژگونه و از محتوی تهی می‌گردد و از جهانی‌سازی نیز مفهومی ضد آن اراده می‌شود، یعنی «جهانی»

می‌گویند و منظور آنان سلطه بلوک غرب بر دیگر بخش‌های جهان است.

۲. انسان‌های صادق و عدالت‌خواهی نیز بوده و هستند که به راستی از این همه فاصله‌ها و تبعیض‌ها و بلوک‌بندی‌ها و جهانی فرادست و جهانی فرودست و درگیری‌های میان آنان و... به ستوه آمده و درصدد چاره دردهای همه انسان‌ها برآمدند و با طرح شعار جهانی‌سازی، و مدیریت یگانه برای همه انسان‌ها و اقتصاد واحد و دادوستدی جهانی و بهداشتی جهانی و... در این اندیشه بودند که تبعیض‌ها را محو کنند و تضادها و درگیری‌ها و سلطه‌طلبی‌ها و سلطه‌پذیری‌ها را به کنار زنند، و انسان درمانده اعصار و قرون را به سر منزل آرامش و آسایش برسانند. می‌توان گفت که اگر انسان‌ها از زیر سلطه تبلیغات و فرهنگ‌سازی‌های امپریالیستی و انگیزه‌سازی‌های تحمیلی رهایی یابند به‌طور طبیعی به انسان‌های دیگر گرایشی دارند و به هم نوع خود می‌اندیشند و با رشد فکری و فرهنگی و عقیدتی به ویژه ایمان الهی، این گرایش رشد می‌یابد و انسان، انسانی و فراتر از حد و مرزهای جغرافیایی و نژادی فکر می‌کند و کره زمین را خانه انسان‌ها می‌شناسد. بهترین تعبیر در این باره و آموزش این معیار والا سخن امام صادق (علیه السلام) است: «فانک اذا تأملت العالم بفکرک و میزته بعقلک، وجدته کالبيت المبنى المعد فيه جميع ما يحتاج اليه عباده... الانسان کالمملک ذلک البيت و المَحُول جميع ما فيه...؛ چه اگر در اندیشه خود درباره جهان تأمل کنی و به عقل خود درصدد شناخت آن برآیی، آن را همچون خانه‌ای خواهی دید که ساخته و پرداخته شده، و هر چه مورد نیاز بندگان بوده در آن فراهم آمده است... و انسان همچون مالک این خانه شده است که همه آنچه در آن است به خواست خدا به اختیار وی قرار گرفته است» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۶: ج ۱، ۶۲۵). در این تعلیم اسلامی از کره زمین، به «بيت و خانه»، تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر نژاد و رنگ و زبان و ملیت و طبقه‌ای، مالک این خانه به حساب آمده است. این تعبیر، آموزش نگرش‌های فرامنطقه‌ای و فراقاره‌ای و آموزش اصل جهان وطنی و جهان‌گرایی با اهداف انسانی است. باری انسان‌ها در طبیعت سره و زلال خود چنین گرایش‌هایی دارند و این دست انسان‌ها در طول تاریخ فریاد برآوردند و بر یگانگی ابناء نوع انسانی تأکید کردند و بر یکی بودن خانه انسان‌ها، و یک سوئی حرکت آدمی و برابری حق‌ها و حقوق‌ها و یک جهت شدن همه مهرها و عاطفه‌ها اصرار ورزیدند، و بر همه عوامل امتیازطلبی و جدایی و بیگانگی از رنگ و زبان و قومیت و فرهنگ و ثروت و فقر و... خط سرخ کشیدند و با تمام هستی، سر در راه تشکیل «جهان واحد» و «سیاست یگانه» و «خانواده واحد» یعنی خانواده انسانی نهادند و «اقتصاد واحد» و «معیشت همسان» و «باورهای همانند» را خواستار گردیدند. پیامبران الهی از پیشتاژان این طرح در اندیشه و عمل بودند. به ویژه، اسلام که مترقی‌ترین ادیان است چنین خطامشی کلی را از آغاز برگزید و با تعالیمی استوار و بلند، موضوع جهانی‌اندیشیدن و جهانی‌سازی، و جهان وطنی را به همه انسان‌ها آموزشی داد. و خانواده بشری را خانواده خدایی نامید و مدیریت و رهبری جهانی را از اهداف خویش شمرد و اقتصاد و تجارت جهانی را مطرح ساخت. از اینها بالاتر به جهانی‌سازی احساس‌ها و عواطف انسانی نیز فراخواند و برابری و برادری انسانی را در میان همه انسان‌ها و سرزمین‌ها بگسترده و مرزهای فاصله‌افکن و بیگانگی را به رسمیت نشناخت (حکیمی، ۱۳۸۱: ۱۰۸).

پیشرفت و گسترش جهانی و جهش تکنولوژیک دانش فنی، ابزاری و صنعتی، به سان هر فرایند دیگر،

یک سری فرصت‌های بس خطیر و سرنوشت‌ساز و یک سری تهدیدهای بس خطرناک و ویران‌گر را فراهم کرده و فراروی جامعه جهانی، جهان اسلام و ایران اسلامی قرار داده است. سازندگی و کسب مادی، از سویی، و تخریب، قدرت تهدیدکنندگی و سلب آرامش معنوی و روحی از دیگر سوی، از ارکان اصلی این فرصت‌ها و تهدیدها است. به ویژه تحوّل شگفت‌انگیز، انفجاری و انقلاب‌گونه در بخش فن‌آوری و شبکه جهانی ارتباطات، اطلاعات، تبادلات و از جمله تولید، ترابری و حمل و نقل و سهولت، سرعت و شدت بسیار فزاینده و بلکه دم‌افزون این جریان‌های جهانی، زمینه همگرایی جهانی را به مراتب بیش از پیش فراهم ساخته است. همین جریان همگرایی جهانی نیز به سان هر پدیده و جریان سیاسی و اجتماعی دیگر، باز فرصت‌ها و تهدیدهای خاص خود را در بر دارد و پیامدهای خود را در پی خواهد داشت؛ اما مسلّم است که این شرایط، جهانی‌گرایی را از آرزو، به امیدی دست‌یافتنی؛ از گزینه و فضیلت، به گزیر و ضرورت اجتناب‌ناپذیر، و از آرمان دورنما، به عمل و تحقق، سخت نزدیک و نزدیک‌تر ساخته است و می‌سازد؛ فرایندی که تمام بخش‌ها، ارکان و نهادها و حتی نیروهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جهانی، ملت‌ها و دولت‌ها را تحت تأثیر و حتی تحت شعاع خود قرار داده و بیش از پیش قرار خواهد داد. خیلی غیرطبیعی نیست که برداشت‌ها و انگیزه‌های متفاوت و گاه متعارضی در پیگیری پرسه و بلکه پروژه و طرح جهانی‌گرایی، شکل گرفته و در جریان باشند؛ نگرش‌ها و گرایش‌هایی در طیف و پیوستاری از اشکال گوناگون همگرایی جهانی؛ از همکاری جهانی، در حدّ میانه و وسط، همبستگی جهانی تا سر حدّ پیوستگی جهانی در طرف مثبت و حتی وابستگی جهانی تا حدّ ادغام و همگونگی و یک شکل‌سازی جهانی، در طرف دیگر و منفی. بر این اساس، مهم‌ترین راهبردهای جهانی‌گرایی سه گونه است:

- ۱- جهان‌گرایی حقیقی و همه‌جانبه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی؛
  - ۲- جهان‌گرایی ناقص و نارسا و ناتمام یا تک‌ساحتی و صرفاً اقتصادی و در نتیجه ظاهری و پنداری؛
  - ۳- جهان‌گرایی متناقض، ناسازوار، تنازعی و در نتیجه کاذب، توهمی و دروغین [۱].
- بدین ترتیب، اکنون سه گونه جهانی‌گرایی در قالب سه راهبرد جهانی، به گونه آمیخته درهم و ناموزون در جریان است [۲] (صدر، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

## ۱.۲. راهبردهای جهانی‌گرایی

**یکم؛** راهبرد جهانی‌گرایی حقیقی<sup>۱</sup>، ماهیتی فرهنگی دارد و خواهان و در پی همبستگی جهانی است. این جریان بیشتر مطلوب فرهیختگان جهان، و معتقد و مدّعی جامعه مدنی جهانی یا مدینه عظمی در اصطلاح فارابی و حتی جمهوری جهانی است. طرح گفت‌وگوی تمدن‌های ایران، استقبال و اتفاق آرای جهانی به‌ویژه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مبین مقبولیت و مشروعیت زمینه‌ای و فراگیر آن است. این راهبرد صرفاً انتخاب نبوده؛ بلکه نیاز جدی و جهانی است؛ هر چند ممکن است تا حدود بسیاری این راهبرد؛ آرمانی، ایده‌آلیستی، خیال‌پردازانه و دست‌نیافتنی به نظر آید یا این گونه گفته و تبلیغ شود. صد البته، این گرایش، ضمن این که دشمنان جدی داشته و دشمنی‌های لجوجانه؛ هم قدرت‌طلبان جهانی

و هم منفعت‌طلبان بین‌المللی و به ویژه صهیونیسم جهانی را به صورت برآمد این دو جریان، رو در روی خویش دارد، تشکّل و سازماندهی شبکه‌ای جهانی طرفداران آن که کم هم نیستند می‌تواند احتمال و درصد تأثیرگذاری و توفیقات آن را افزایش دهد. تقویت و قوام گرفتن گروه‌های روشنفکری و فرهیختگی، نهادهای مدنی و از جمله نیروها و نهادهای دینی از قبیل «NGO» گروه‌های اجتماعی و سازماندهی شبکه‌ای و جهانی آن‌ها می‌تواند بستر ساز این جریان و تحقق بخش هر چه بیشتر این راهبرد باشد. این گرایش به سبب تأکید بر ساحت معنوی، تمدنی و فرهنگی و فرهیختگی، افزون بر ساحت اقتصادی و توسعه مادی، بیشتر «جهانی‌گرایی حقیقی» به شمار می‌رود. می‌توان حقیقت جهانی‌گرایی را «جهان‌داری» و جهان‌سازی حقیقی دانست.

**دوم؛** راهبرد جهانی‌شدن<sup>۱</sup>، که ماهیتی اقتصادی دارد و خواهان و در پی همکاری جهانی است. این جریان، بیشتر مطلوب اقتصادیان و فن‌سالاران و سرمایه‌داران جهانی، و معتقد و مدعی جامعه اقتصادی جهانی یا بازار جهانی آزاد سرمایه، کار و کالا و احیاناً نیروهای کار است. جهانی‌شدن، آمیخته‌ای از جریان‌های غیرارادی و ارادی بوده و خواهان گونه‌ای تقسیم کار و منابع جهانی، نظام کار جهانی و تبادلات آزاد جهانی بر اساس مزیت‌های نسبی مناطق است. این گرایش به سبب تأکید صرف بر ساحت مادی، اقتصادی و توسعه‌ای و نیز به مناسبت توسعه ابزاری و عدم اهتمام به ساحت معنوی، در نتیجه جزنگر و ظاهرگرا و بنابراین جهان‌گرایی پنداری یا ظنی شمرده می‌شود. انریکو داسال، آن را بازاری‌سازی و انحصارگرایی بازار نام برده که جریانی کاملاً غیراخلاقی، غیرانسانی و ارزش‌زدایی شده، بلکه ضدآرزویی و ضدآخلاقی است.

**سوم؛** راهبرد جهانی‌سازی<sup>۲</sup>، آمریکایی که ماهیتی سیاسی دارد و خواهان و در پی سلطه، انحصارگرایی و یک‌تازی و وابستگی جهانی است؛ جهانی وابسته و وابستگی جهانی به کانون قدرت جهانی یعنی آمریکا در جایگاه رأس هرم قدرت. این جریان بیشتر مطلوب قدرت‌گرایان و تنازع‌گران در صحنه جهانی و در عرصه بین‌المللی و در رأس آن‌ها آمریکا و نومحافظه‌کاران حاکم بر آن است. اینان معتقد و مدعی جامعه جهانی تک‌قطبی و سرمایه‌سالارانه با سلسله مراتب قدرت و سلطه‌اند. این گرایش به همین سبب و به سبب استفاده از شیوه‌ها و ابزار نو تحمیق علمی و فرهنگی، تطمیع اقتصادی و تکنولوژیکی به اشکال نو و تحت عناوین کمک‌ها، همکاری‌های مشترک و تبادلات، به ویژه تهدید و ارباب نظامی و امنیتی و براندازی یا اشغال‌گری و تجزیه کشورها و دولت‌ها، تنازعی و توهمی به شمار می‌آید؛ به ویژه که از حیث نظری نیز به گونه‌ای سوفیسم، نیهیلیسم و نسبت‌انگاری نیازمند بوده، آن را ترویج می‌دهد؛ [۳] (صدرا، ۱۳۸۳: ۱۵۹).

در مقابل «جهانی‌شدن»، «محلی‌شدن» قرار دارد. در حالی که در جهانی‌شدن، محدودیت برای گسترش ارزشهای مشابه کم رنگ می‌شود؛ در محلی‌شدن، بر رفتارهای افراد، گروه‌ها و نهادها بر حسب

1. Globality
2. Globalization

ارزش‌های مربوط، به قلمرو محدود تأکید می‌گردد (روزنا، ۱۳۷۸: ۱۰۲۳-۱۰۲۴). در محلی‌شدن، مرزها، هویت قومی و بومی تقویت شده و ارزش‌هایی که از این سطح ناشی می‌شود، به فرهنگ، اعتقادات و باورهای بومی معطوف می‌گردد. در این سطح، مهم‌ترین کارگزار جامعه‌پذیری و حفظ و انتقال فرهنگ از یک نسل به نسل دیگر و هدایت ارزش‌ها خانواده است (کمالی، ۱۳۷۴: ۱۹).

### ۱.۳. رویکردها و نگرش‌های جهانی‌شدن

در مورد ماهیت پدیده جهانی‌شدن نگرش‌ها و رویکردهای متفاوتی وجود دارد. جهانی‌شدن به عنوان یک پروسه و جهانی‌سازی به عنوان پروژه‌ای و مدیریت شده دو نگرش متفاوت و نسبتاً رایج در مورد این پدیده است. به عبارت دیگر جهانی‌شدن چه به عنوان پروسه و چه پروژه در هر حال دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خاصی است. این ابعاد را از منظر فکری و تئوریک در دو حوزه کلی با عنوان «بعد ایدئولوژیک» و «بعد تکنولوژیک» می‌توان طبقه بندی کرد. بر این اساس اسلام و تعلیم دینی با رویه تکنولوژیک جهانی‌شدن بیشتر می‌تواند تعامل و سازگاری داشته باشد، اما در بعد ایدئولوژیک تعارض اسلام و جهانی‌شدن بیشتر از درجه انطباق و سازگاری آن دو می‌باشد (سجادی، ۱۳۸۱: ۲۹۵).

#### ۱.۳.۱. اسلام و رویه تکنولوژیک جهانی‌شدن

مقصود از رویه تکنولوژیک جهانی‌شدن به صورت کلی عبارت است از توسعه و گسترش تکنولوژی ارتباط جمعی و به ویژه تکنولوژی اطلاعات. جهانی‌شدن تکنولوژی اطلاعات اشاره به وضعیتی دارد که در اثر کشف و ساخت تکنولوژیهای جدید ارتباطی، اطلاعات و نیازمندی‌های بازرگانی و تجاری کشورها از طریق شبکه‌های اینترنت، ماهواره و نرم افزارهای رایانه‌ای قابل تأمین می‌باشد.

در عصر جدید شاهد جهانی بی‌مرز هستیم دیگر مرزها اهمیت چندانی ندارد و همگان به عنوان مصرف کننده شناخته می‌شوند. امروزه مردم در هر نقطه دنیا قادرند که اطلاعات مورد نیازشان را به صورت مستقیم از اکتاف عالم به دست آورند و این امر را فهم نمایند که چه چیزی در زمره ترجیحات سایر کشورها قرار دارد (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۱۶) بنابراین جهانی‌شدن تکنولوژی عبارتست از توسعه ابزارهای جدید اطلاعاتی به منظور تبادل افکار، ایده‌ها و باورها (سجادی، ۱۳۸۱: ۲۹۷).

#### ۱.۳.۲. اسلام و رویه ایدئولوژیک جهانی‌شدن

مقصود از رویه ایدئولوژیک جهانی‌شدن آن است که جهانی‌شدن مشتمل بر مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای مرتبط با زندگی عملی جوامع انسانی است. به عبارت دیگر از آنجایی که جهانی‌شدن حداقل از منظر فرهنگی، برخی ارزشها و آرمانها را به جوامع می‌آموزد و مواضع آنان را در برابر حوادث و پرسش‌های جاری روشن نموده و راهنمای عمل ایشان قرار می‌گیرد، دارای بعد ایدئولوژیک می‌باشد. به نظر می‌رسد بعد ایدئولوژیک جهانی‌شدن نسبت به رویه تکنولوژیک آن تعارض بیشتری با اسلام و باورهای دینی دارد. زیرا غربی‌شدن سیاست، فرهنگ و اقتصاد برخی ارزشها و آموزه‌هایی را با خود همراه دارد که عمده‌تاً در تعارض با باورها و ارزشهای اسلامی است. این تعارض به خصوص در رویکردی که جهانی‌شدن را مترادف با غربی‌شدن یا غربی‌سازی تفسیر می‌کند از وضوح آشکاری برخوردار می‌باشد. به هر حال، حتی

تفسیر خوش‌بینانه از جهانی‌شدن که آن را به عنوان یک پروسه طبیعی می‌داند، بازهم نوعی تعارض فرهنگی و ارزشی میان «جهانی‌شدنی» و آموزه‌های اسلامی مشاهده می‌شود. این تعارض ناشی از ماهیت زندگی جدید و جامعه مدرن است که در فرایند «جهانی‌شدن» توسعه می‌یابد (سجادی، ۱۳۸۱: ۳۰۴).

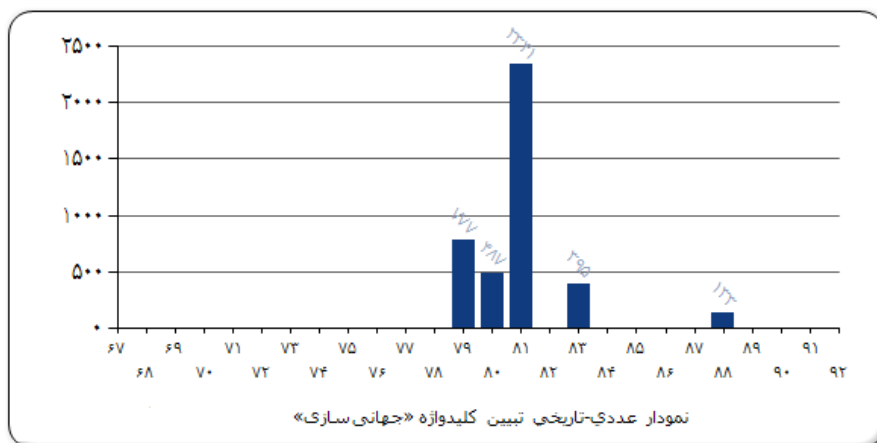
## ۲. روش‌شناسی تحقیق

بررسی زبان - ابزار ارتباطات میان فردی یا میان گروهی انسان‌ها - از طرق گوناگون انجام می‌پذیرد که یکی از شایع‌ترین آن‌ها روش تحلیل محتواست. «منظور از این روش آن است که بتوان بر اساس آن خصوصیات زبانی یک متن گفته یا نوشته شده را به‌طور واقع‌بینانه یا عینی و به‌طور سیستماتیک شناخت و از آنها نیز استنتاج‌هایی درباره مسائل غیرزبانی یعنی درباره خصوصیات فردی و اجتماعی گوینده یا نویسنده و نظرات و گرایش‌های وی نمود» (رفیع‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰۹). تحلیل محتوا، روشی برای مطالعه و تحلیل ارتباطات به شیوه‌ای نظام‌مند، عینی و کمی با هدف اندازه‌گیری متغیرهاست (راجردی و آردومینیک، ۱۳۸۴: ۲۱۷). تحلیل محتوا، تکنیکی پژوهشی است برای استنباط تکرار پذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌ها، هدف تحلیل مانند همه تکنیک‌های پژوهشی فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۵).

### ۲.۱. کلیات روش تحقیق

#### ۲.۱.۱. جامعه آماری

جامعه آماری این مقاله، بیانات آیت الله خامنه‌ای در مجامع مختلف از سال ۱۳۶۸ تاکنون است، بر این اساس سخنرانی‌های منتشر شده ایشان که در سایت دفتر تنظیم و نشر آثار ایشان موجود است، تحلیل گردید.





### ۲.۱.۲. واحد تحلیل

به طور کلی واحد محتوا می‌تواند کلمه، بند، جمله، تصویر، مقاله، برنامه تلویزیونی و... باشد. از آنجا که این پژوهش، کل جامعه آماری را بررسی می‌کند، لذا دارای واحدهای نمونه‌گیری نیست و تمام سخنرانی‌های رهبری با حذف حواشی واحد ثبت است. همچنین، از آنجا که این پژوهش در دو سطح جمله و بند تحلیل محتوا می‌شود، در سطح اول، جملات دارای مضمون مرتبط با موضوع و در سطح دوم، نیز بندهای دارای مضمون مرتبط با موضوع، واحد تحلیل‌اند. ضمناً این پژوهش برای دستیابی به روایی هر چه بیشتر همزمان از دو واحد تحلیل بهره برده است؛ یعنی هم جمله و هم بند به عنوان تحلیل انتخاب شده و بررسی شده‌اند.

### ۲.۱.۳. مراحل پژوهش

#### - تعیین جهت‌گیری‌ها و نقاط تأکید

یکی از راه‌های به حداقل رساندن برداشت‌های شخصی در نتایج پژوهش به دست آوردن «جهت‌گیری» «نقاط تأکید» متن مورد بررسی است (افتخاری و نه‌ازی، ۱۳۹۰: ۲۸). قبل از ورود به تحلیل کلی متن، لازم است محورهای مهم به دست آمده از اصل متن و گرایش‌های هر محور به دست آیند. در این پژوهش نیز ابتدا تمام سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای که واحد ثبت تحقیق را تشکیل می‌دهند با رویکرد به دست آوردن جهت‌گیری کلی و نقاط تأکید متون واکاوی شده و نتایج آن در جدول زیر منعکس شده است.

#### جهت‌گیری‌های کلی و نقاط تأکید بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع جهانی‌سازی

نقاط تأکید (شاخص‌ها)	جهت‌گیری‌ها
حفظ اصل استقلال کشورها	تحقق درست جهانی‌شدن
سیاهی لشکر آمریکا شدن	تئوری شبه روشن فکرانه و تغییر گفتمان جهانی‌شدن
به علت سلطه‌ی آمریکا بر اقتصاد، فرهنگ، ارتش، سیاست، حکومت و تقریباً بر همه چیز کشورهای دیگر	ترس از جهانی‌گری و جهانی‌شدن
نمایش علم‌گرایی و جهانی‌سازی علم	مصادق‌های دروغین جهانی‌سازی
سیطره بر منابع حیاتی و مالی همه‌ی دنیا از طریق این طبقه	جهانی‌سازی در قالب مجموعه طبقاتی «زسالاران اقتدارطلب»
ترویج پلورالیسم، شکاکیت، شک در مسلمات و اولیات اعتقادی و تسامح و تساهل با بنیه‌ی کافی وارد این میدان شدن، ایجاد ضرر در صورت عدم آمادگی‌های لازم	اهداف فرهنگی جهانی‌سازی ورود به میدان جهانی‌سازی
وارد کردن و ترویج این مفاهیم در محیط فکری و معرفتی جوان و غیرجوان	مفاهیم دروغین جهانی‌سازی
مقاومت کردن، با استحکام بخشیدن به بنیان‌ها	مقابله با سیل جهانی‌سازی
دنبال تفکر جهانی‌شدن، برای بیشتر بلعیدن دنیا	تفکر جهانی‌شدن

### ۳. تحلیل نتایج جهانی سازی در اندیشه آیت الله خامنه ای

بر اساس مطالب پیش گفته، جهت گیری ها و تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن، مرتبط با موضوع جهانی سازی در بیانات ایشان از سال ۱۳۶۸ تاکنون در تحلیل زیر مطرح می گردد.

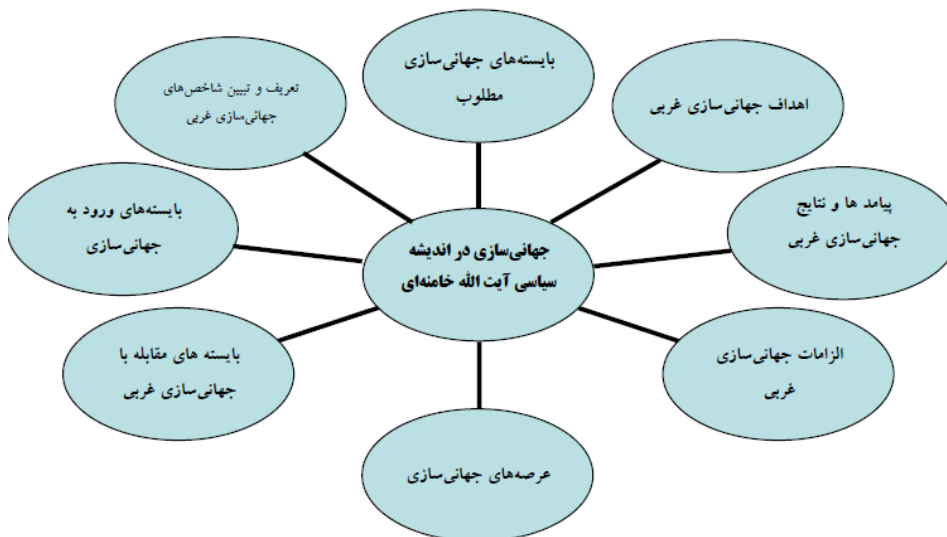
ردیف	برداشت از اصل متن	گرایش و جهت گیری متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن
۱	جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره ای در ماشین سرمایه داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد (۱۳۸۸/۲/۲۷).	عدم تبدیل شدن به یک پیچ و مهره در ماشین سرمایه داری غرب	بایسته های جهانی سازی مطلوب
۲	اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم گیری خودشان را حفظ کنند... بنابراین، یک اصل مهم، مسئله ای استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراب پیشرفت است (۱۳۸۸/۲/۲۷).	اهمیت حفظ استقلال سیاسی، اقتصادی و قدرت تصمیم گیری کشورها در مسئله جهانی شدن	بایسته های جهانی سازی مطلوب
۳	امروز توریسم ها و تبلیغات چی های غربی در صددند خط ارتجاع به غرب خط برگشت به همان تحمیل پذیری غربی را دوباره برگردانند. البته همان طور که گفتیم، تحت عنوان یک تئوری شبه روشن فکانه؛ به عنوان یک حرف نو؛ تئوری جهانی شدن و تئوری تغییر گفتمان (۱۳۷۹/۱۲/۹).	برگرداندن خط ارتجاع به غرب، خط برگشت به همان تحمیل پذیری غربی تحت عنوان تئوری جهانی شدن	تبیین شاخص های جهانی سازی غربی
۴	گفتمان جدید دانشجویی عبارت است از گفتمان جهانی، جهانی شدن، گفتمان واقع بینی، گفتمان پیوستن به نظم نوین جهانی؛ یعنی سیاهی لشکر آمریکا شدن! این جهانی شدن، اسمش جهانی شدن است؛ اما باطنش آمریکایی شدن است... سیاهی لشکر و عمله و ابزار تأمین منافع آمریکایی ها شدن (۱۳۷۹/۱۲/۹).	جهانی شدن یعنی سیاهی لشکر آمریکا شدن در راستای تأمین منافع آمریکا	تعریف و تبیین شاخص های جهانی سازی غربی
۵	هیچ چیز نیست جز این که بتوانند از مراکز قدرت خودشان، کاملاً انحصارطلبانه و تمام خواهانه، کنترل همه مراکز اساسی منافع جهانی را در اختیار داشته باشند (۱۳۷۹/۱۲/۹).	کنترل همه مراکز اساسی منافع جهانی	اهداف جهانی سازی غربی
۶	دنیا را به عنوان دهکده جهانی معرفی می کنند، برای این که کدخدایی این دهکده را در اختیار بگیرند. شعار وحدت فرهنگی و جهانی گری فرهنگی می دهند، برای این که فرهنگ خودشان را بر تمام فرهنگ های عالم مسلط کنند (۱۳۷۹/۱۲/۹).	معرفی کردن دنیا به عنوان دهکده جهانی برای تسلط بر جهان	اهداف جهانی سازی غربی
۷	دستگاه های مالی و اقتصادی و همین هایی که امروز برای بیشتر بلعیدن دنیا، دنبال تفکر جهانی شدن هستند، چقدر در دنیا محکوم و منقورند (۱۳۸۰/۶/۱۵).	ترویج تفکر جهانی شدن توسط دستگاه های مالی اقتصادی و منقور شدن آن کشورها	پیامد ها و نتایج جهانی سازی غربی
۸	من وقتی به تهدید خارجی اشاره می کنم، منظورم مراکز قدرت جهانی است. امروز تهدید مضاعفی نه فقط ایران، بلکه همه ی کشورهایی را تهدید می کند که در ردیف کشورهای پیشرفته ی اروپایی و آمریکایی قرار ندارند. این تهدید مضاعف چیست؟ از یک سو نفوذ مستقیم قدرت های بزرگ و در رأس آن ها آمریکا، و از سوی دیگر موج جهانی گری است (۱۳۷۹/۲/۱).	مراکز قدرت جهانی، تهدید مضاعف برای کشورها	پیامد ها و نتایج جهانی سازی غربی

<p>تعریف و تبیین جهانی‌سازی غربی اهداف جهانی‌سازی غربی</p>	<p>جهانی‌گری یعنی یک مجموعه از قدرتهای جهانی که درصدد تحمیل فرهنگ و اقتصاد خود به دنیا هستند.</p>	<p>جهانی‌گری یعنی چه؟ چه معنی یک مجموعه از قدرتهای جهانی؛ عمدتاً آن کسانی که در سازمان ملل هم نفوذ دارند؛ عمدتاً همان کسانی که استعمارگران دیروز دنیا بودند؛ چند کشوری که در صددند فرهنگ و اقتصاد و عادات و آداب خودشان را به همه‌ی دنیا گسترش دهند؛ یک شرکت سهامی درست کنند که نود و پنج درصد سهمش در واقع مال آن‌هاست، پنج درصد بقیه هم مال همه‌ی کشورهای دیگر. اختیار در دست آن‌ها و تصمیم‌گیری هم با آن‌هاست! (۱۳۷۹/۲/۱)</p>	<p>۹</p>
<p>شاخص‌های جهانی‌سازی غربی</p>	<p>نمونه‌ای از رفتارهای متناقض، ضد حقوق بشر و درغکویی کشورهای مدعی جهانی‌سازی</p>	<p>سلاح‌های کشتار جمعی اتمی و شیمیایی و میکربی را تولید و توزیع و مصرف می‌کنند و فحش‌هایی مانند هیروشیما و حلبچه و خطوط دفاعی ایرانیان در جنگ تحمیلی پدید می‌آورند و در عین حال شعار کنترل سلاح کشتار جمعی سر می‌دهند. آنان خود در پشت سر مافیای کیف مواد مخدرند و دم از مبارزه با مواد مخدر می‌زنند. آنان نمایش علم‌گرایی و جهانی‌سازی علم می‌دهند و آنگاه یا پیشرفت دانش و فناوری در جهان اسلام مقابله می‌کنند و سر بر آوردن فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز در کشورهای اسلامی را، گناهی بزرگ می‌شمارند. از آزادی و حقوق اقلیتها سخن می‌گویند، و حق آموزش و تحصیل را از دختران مسلمان، به جرم پابندی به حجاب اسلامی سلب می‌کنند. (۱۳۸۳/۱۰/۲۹)</p>	<p>۱۰</p>
<p>تعریف و تبیین جهانی‌سازی غربی اهداف جهانی‌سازی غربی الزامات جهانی‌سازی غربی</p>	<p>اشغالگری یک طبقه اجتماعی یا به عبارتی «زرسالاران اقتدارطلب» با هدف سیطره بر منافع حیاتی و مالی دنیا و با الزامات علمی اداری و سیاسی مانند نظم نوین جهانی</p>	<p>این اشغالگر کیست؟ پاسخ این نیست که این اشغالگر دولت امریکا یا فلان دولت دیگر است؛ نه، این اشغالگر یک طبقه‌ی اجتماعی است؛ طبقه‌ی که دولت امریکا و دولت‌های دیگر را به قدر توانایی و قدرت خود و آمادگی آن‌ها دارد هدایت می‌کند. البته در بافت ساخت این دولت‌ها هم بدون شک افراد این طبقه حضور دارند؛ اما هدایت، هدایت یک دولت نیست؛ هدایت یک مجموعه‌ی طبقاتی است، که اگر بخواهیم در یک عبارت برای این‌ها اسم معین کنیم، باید بگوییم «زرسالاران اقتدارطلب». هدفشان هم سیطره بر منابع حیاتی و مالی همه‌ی دنیاست. البته این سیطره، یک الزامات سیاسی دارد که همان نظم نوین جهانی است؛ یک الزامات علمی و اداری دارد که به تدریج خود را به آن نزدیک می‌کنند. مسأله‌ی جهانی‌سازی که امروز در تجارت، پول، فرهنگ و شبکه‌های فرهنگی - مثل اینترنت و مانند آن - مطرح است، همه دانسته و نادانسته در خدمت این مجموعه‌ی طبقاتی است. البته تحلیل جامعه‌شناختی این‌ها خیلی دقیق، ریز و مفصل است (۱۳۸۳/۹/۱۱).</p>	<p>۱۱</p>
<p>اهداف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دشمن از طرح مسئله جهانی شدن</p>	<p>اهداف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دشمن از طرح مسئله جهانی شدن</p>	<p>البته دشمن هدف‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هم دارد. آن‌ها اهداف فرهنگی هم دارند. به فرهنگ اسلامی کینه می‌ورزند و با آن عناد دارند. فرهنگ اسلامی آراء روشن‌فکران اروپا را به چالش کشیده و لیبرال دمکراسی را که پرچم برافراشته‌ی غرب است، مورد تردید قرار داده است. فرهنگ اسلامی روح استقلال‌طلبی و رشادت را در جامعه‌ی بزرگ و یک میلیارد و چند صد میلیون مسلمانان، ترویج می‌کند و این امر در حساس‌ترین منطقه‌ی دنیا از لحاظ استراتژیک و منابع نفتی و زیر زمینی، شدت بیشتری دارد. فرهنگ اسلامی، این جامعه‌ی بزرگ را به فکر حیات مجدد خود انداخته است؛ بنابراین به آن کینه می‌ورزند و قصد کوبیدن آن را دارند. (۱۳۸۱/۱۱/۱۵)</p>	<p>۱۲</p>

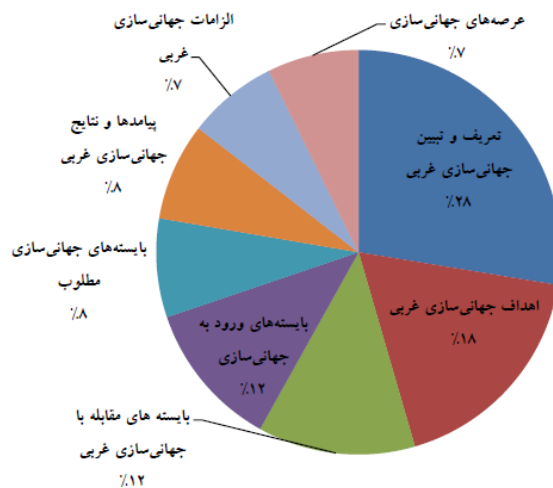


۱۳	بنده در اساس با تجارت جهانی مخالف نیستم. آن روز که ما بتوانیم با بنیه کافی وارد این میدان شویم، اگر نشویم به خودمان ظلم کرده‌ایم؛ اما اول باید بنیه‌اش را ایجاد کنیم. این را توجه نمی‌کنند که اگر با نداشتن آمادگی‌های لازم وارد این میدان شویم، چه ضررهایی خواهیم برد. (۱۳۸۱/۱۱/۱۵)	کسب آمادگی‌های لازم برای ورود به میدان عظیم جهانی شدن	بایسته‌های ورود به جهانی‌سازی
۱۴	ما به عنوان کسانی که در این مجموعه چنین وظیفه‌ای داریم و این مسئولیت را احساس می‌کنیم، در مقابل این سیل جهانی باید مقاومت کنیم. البته واقعیت جهانی‌سازی هم یکی از بخشهای مهم و بارز همین سیل است. فعلاً مسأله‌ی اقتصاد مطرح است؛ اما گفته و ناگفته، نوشته و نانوخته، جهانی‌سازی در زمینه‌ی سیاست و فرهنگ هم حتماً وجود دارد و عمل می‌شود (۱۳۸۱/۳/۷).	مقاومت در برابر جهانی‌سازی ورود جهانی‌سازی به عرصه‌های اقتصادی سیاسی فرهنگی	بایسته‌های مقابله با جهانی‌سازی غربی عرصه‌های جهانی‌سازی
۱۵	آیا در مقابل این سیل می‌شود مقاومت کرد؟ ما معتقدیم بله، می‌شود مقاومت کرد؛ این وظیفه‌ی اصلی ماست. مقاومت، تنها با استحکام بخشیدن به بنیان‌ها صورت می‌گیرد. ما باید خود را استوار و مستحکم کنیم و بنیانهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی خود را استحکام ببخشیم (۱۳۸۱/۳/۷).	مقاومت در برابر سیل جهانی‌سازی از طریق استحکام بخشیدن به بنیان‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی	بایسته‌های مقابله با جهانی‌سازی غربی
۱۶	برای این که ما بنیان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را مستحکم کنیم، پیش‌نیاز اولی قلمی ما، ایجاد وفاق و وحدت کلمه است. برای وفاق باید همه تلاش کنند (۱۳۸۱/۳/۷).	ایجاد وفاق و وحدت کلمه در راستای استحکام بنیان‌های جامعه	بایسته‌های مقابله با جهانی‌سازی غربی
۱۷	به نظر من آنچه امروز وظیفه اصلی ماست، این است که در بخشهای سه‌گانه - یعنی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - پایه‌ها را مستحکم کنیم. اگر پایه‌های فرهنگی بخواند مستحکم شود، شرط اصلی این است که ایمان مردم به دین و موارث فرهنگی خودشان روزه‌روز استحکام پیدا کند و تضعیف نشود (۱۳۸۱/۳/۷).	استحکام ایمان مردم به دین و موارث فرهنگی خودشان در راستای استحکام بنیان‌های فرهنگی	بایسته‌های مقابله با جهانی‌سازی غربی
۱۸	استقلال اقتصادی کشور نیز در کنار کارایی بخشهای اقتصادی، بسیار مهم است. باید مدیریت اجرایی خوب حتماً وجود داشته باشد تا قانون کارایی خود را نشان دهد؛ لیکن قانون هم سهم بسیار زیادی دارد (۱۳۸۱/۳/۷).	استقلال اقتصادی کشور مدیریت اجرایی خوب کارایی قانون	بایسته‌های مقابله با جهانی‌سازی غربی
۱۹	در زمینه سیاسی هم همین طور است: محافظت از پایه سیاسی کشور - یعنی نظام جمهوری اسلامی - و قدردانی از این نظام که حقیقتاً یک پدیده والا در دنیای امروز است (۱۳۸۱/۳/۷).	محافظت از پایه سیاسی کشور - یعنی نظام جمهوری اسلامی - و قدردانی از این نظام	بایسته‌های مقابله با جهانی‌سازی غربی

با توجه به جداول تحلیل محتوای فوق می‌توان شمای کلی مقوله‌های جهانی‌سازی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای را در نمودار زیر نشان داد.



### سنجش فراوانی مقوله‌های جهانی‌سازی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای



## نتیجه گیری

نتایج مطالعات و بررسی‌های انجام شده در بیانات آیت الله خامنه‌ای از آغاز تصدی رهبری تاکنون در خصوص جهت‌گیری‌ها و نقاط تأکید ایشان در رابطه با جهانی‌سازی، حاکی از نگاه جامع و واقع‌گرایانه ایشان به این موضوع مهم است.

در نظر آیت الله خامنه‌ای؛ «جهانی‌سازی، جهانی‌شدن و جهانی‌گری» همه عناوین فرینده و وارداتی غربی است که تحت عنوان یک تئوری شبه روشن‌فکرانه و توسط مجموعه‌ای از قدرت‌های جهانی وارد فرهنگ کشورها گردیده و هدف همه این‌ها سیطره بر منابع حیاتی و مالی همه دنیا و بلعیدن بیشتر دنیاست و تأکید دارند که برای تحقق درست جهانی‌شدن، ملاک اصلی حفظ استقلال کشورها و برای مقابله با سیل جهانی‌سازی، مقاومت همراه با استحکام بخشیدن به بنیان‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و برای ورود به میدان جهانی‌سازی، ایجاد بنیه‌ی کافی در این زمینه، راهکارهای اصلی است.

ایشان، برای تحقق صحیح جهانی‌سازی، اصل مهم استقلال کشورها را یک عنصر مهم می‌دانند و بر حفظ استقلال سیاسی، اقتصادی و قدرت تصمیم‌گیری کشورها تأکید می‌کنند.

مطلب مهم دیگر در رابطه با اهداف جهانی‌سازی است، که نباید از آن غفلت ورزید، ایشان معتقدند غرب با مطرح کردن تئوری شبه روشن‌فکرانه جهانی‌سازی و پیوستن به نظم نوین جهانی به دنبال تغییر گفتمانی است که در باطنش به امریکایی شدن و تحمیل پذیری غربی منجر می‌شود.

عنوان مهم دیگر ایشان «جهانی‌گری» است، در حقیقت جهانی‌گری را یک تهدید مضاعف خارجی می‌دانند که از مجموعه‌ای از قدرت‌های جهانی که در سازمان ملل هم صاحب نفوذ هستند، تشکیل شده و در صدند فرهنگ و اقتصاد و آدبشان را به همه دنیا گسترش دهند. در اندیشه آیت الله خامنه‌ای اکثر کارهای تحت عنوان جهانی‌سازی، نمایش دروغینی بیش نیست و صرفاً تنها ادعای خیرخواهی و حفظ منافع دیگر کشورها خصوصاً کشورهای جهان سوم و جوامع اسلامی را دارند و در عمل بر خلاف آن انجام می‌دهند. نظر رهبری جمهوری اسلامی ایران، در خصوص اداره‌کنندگان جهانی‌سازی، هدایت توسط یک مجموعه طبقاتی خاص است که به آنان لقب «زرسالاران اقتدار طلب» می‌دهند و هدف آنان را سیطره بر منابع حیاتی و مالی همه‌ی دنیا بوسیله بهره‌گیری از فرهنگ و اقتصاد و امکانات آن کشورها می‌دانند.

فرهنگ یکی از حوزه‌های مهم جهانی‌سازی است. دشمنان اسلام برای مقابله با فرهنگ اسلامی سعی در به چالش کشیدن فرهنگ اسلامی از طریق ترویج پلورالیسم و شکاکیت در مسلمات و اولیات اعتقادی و تسامح و تساهل و در نهایت گسترش گفتمان جهانی‌سازی دارند.

ایشان برای ورود پیدا کردن به میدان عظیم جهانی‌سازی، بایسته‌هایی را لازم می‌دانند و معتقدند که باید با اطلاع کامل از ساز و کار آن و با آمادگی‌های لازم از طریق ایجاد بنیه‌های مستحکم وارد میدان جهانی‌سازی شد و در آن صورت اگر وارد این میدان عظیم نشویم به خودمان ظلم کرده‌ایم.

در نهایت به عقیده نویسندگان مقاله در بعد مفهومی، «جهانی‌شدن» با ماهیتی متفاوت و متمایز از «جهانی‌سازی» است، در حالی که از بعد عینی هر کدام از دو ساحت مفهومی مذکور دارای مقتضیات خاص خود هستند. «جهانی‌شدن» یک فرایند طبیعی است که در جهت تحوّل همه‌جانبه علمی، صنعتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پدید آمده است. ولی «جهانی‌سازی» یک طرح هدایت شده در جهت گسترش سلطه و هژمونی کشورهای توسعه یافته بر تمام جهان است که توسط یک طبقه اجتماعی خاص و مجموعه‌ای از قدرت‌های جهان با هدف کنترل مراکز اساسی منافع جهانی صورت می‌گیرد. چنین پروژه‌ای اگر بوسیله دولتمردان کشورهای هدف کنترل و مدیریت نشود بحران‌های جدی برای ایشان بوجود خواهد آورد. از سوی دیگر جهانی‌سازی به عنوان یک فرایند علمی و یک فضای باز، می‌تواند به عنوان یک امکان و فرصت مورد توجه واقع شود و در خدمت تبلیغ و بسط و رقابت همه فرهنگ‌ها، از جمله اسلام به شمار آید. به همین دلیل، به همان میزان که می‌تواند در خدمت فرهنگ غرب باشد، می‌تواند به عنوان ظرفیت مناسب برای معرفی مؤلفه‌های گفتمان خاص جمهوری اسلامی ایران منظور گردد. از این‌رو در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر تعریف و تبیین شاخصه‌ها، اهداف و بایسته‌های جهانی‌سازی، توجه ویژه‌ای نسبت به مدیریت صحیح عرصه جهانی از طریق حفظ استقلال سیاسی-اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری، کسب آمادگی‌های لازم، استحکام بنیان‌های سیاسی-اقتصادی-فرهنگی و مقاومت در برابر تبعات جهانی‌سازی غربی برای کشورها، شده است.

## مؤلفه‌های جهانی‌سازی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای تعریف و تبیین شاخصه‌ها، اهداف و بایسته‌ها





### پی‌نوشت‌ها

[۱]. آن چه مسلم است، مهم‌ترین جریان‌ها سه گانه جهانی‌گرایی، جهانی‌شدن و جهانی‌سازی، در اندیشه‌ها و انگیزه‌های انسانی، اجتماعی و سیاسی ملت‌ها، دولت‌ها و قدرت‌ها ریشه داشته، از نگرش‌ها و گرایش‌های آنان سرچشمه می‌گیرد. توسعه سخت‌افزاری از جمله پیشرفت‌های جهش‌وار دانش فنی و به ویژه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، با همه اهمیت و طول و عرض و گستره و نیز ارزش و اثرگذاری، در این جریان‌ها و راهبردها، نقش ابزاری و وسیله‌ای داشته، نقش تسهیل‌کنندگی، تسریع‌کنندگی و تشدید یا افزایش‌دهنده را ایفا می‌کند و علت فاعلی، موجد و محرک اصلی آن‌ها، همان نگرش‌ها و گرایش‌های سیاسی هستند [۲].

سه گونه‌ی جریان‌های جهانی‌گرایی و راهبردها و رهیافت‌های سه‌گانه آن، ناشی از سه گانگی جهات عملی و سیاسی انسان‌ها، گروه‌های انسانی و جوامع بشری است. انسان یگانه‌جاننداری بوده که قادر است جهت‌گیری‌های سه‌سویه داشته باشد؛ یعنی یکی جهت‌گیری طبیعی، مادی یا تک‌ساحتی و اقتصادی صرف و صرفاً توسعه‌ای و عمرانی داشته یا جهت‌گیری انسانی، اخلاقی، الهی و متعالی می‌تواند داشته باشد یا در مقابل، دارای جهت‌گیری تنازعی، سلطه‌گرایانه و به اصطلاح پست‌تر از حیوان یعنی شیطانی و شریانه باشد.

[۳]. نگرش‌ها و گرایش‌های سه‌گانه طبیعی، انسانی و شیطانی، به ترتیب تک‌ساحتی اقتصادی، دو‌ساحتی متعادل و متعالی، و سوم دو‌ساحتی تنازعی و تنازلی یا قهقرایی هستند.

### منابع

- افترخاری، اصغر و نهازی، غلامحسین (۱۳۹۰)، «امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری»، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم.
- افروغ، عماد (۱۳۸۲)، «اسلام و جهانی‌شدن»، فصلنامه بازتاب اندیشه، شماره ۴۴.
- بهروز لک، غلامرضا، (۱۳۸۵) «اسلام سیاسی و جهانی‌شدن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۱.
- حکیمی، محمد رضا، محمد و علی حکیمی (۱۳۸۶)، «الحیات»، ترجمه احمد آرام، مجموعه ۶ جلدی، قم، انتشارات دلیل‌ما.
- حکیمی، محمد، (۱۳۸۱)، «جهانی‌سازی اسلامی، جهانی‌سازی غربی»، فصلنامه کتاب نقد، سال ششم، شماره ۲۴ و ۲۵.
- راجردی، ویمر. (و) آر دومینیک، جوزف (۱۳۸۴)، تحقیق در رسانه‌های جمعی، ترجمه کاووس سید امامی، تهران، سروش و مرکز تحقیقات مطالعاتی و سنجش برنامه‌ای.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰)، پدیده جهانی‌شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، نشر آگه.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۴)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- رنجبر، محمدعلی، (۱۳۹۱)، «نسبت بیداری اسلامی با جهانی شدن»، مجموعه مقالات همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی).
- روزنا، جیمز، (۱۳۷۸)، پیچیدگی‌ها و تناقض‌های جهانی شدن، ترجمه احمد صادقی، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴.
- ستوده، محمد، (۱۳۷۹)، «جهانی شدن و امنیت ملی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره نهم.
- سجادی، عبدالقیوم، (۱۳۸۱)، «اسلام و جهانی شدن»، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۴ و ۲۵.
- صدرار، علیرضا (۱۳۸۳)، «آسیب‌شناسی جهانی‌سازی با مدل جهانی‌گرایی مهدویت»، فصلنامه قیاسات، شماره ۳۳.
- عراقچی، عباس، (۱۳۷۷)، «اینترنت عرصه‌ای جدید در تعامل فرهنگ‌ها»، مجله سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۲.
- کرپیندورف، کلوس (۱۳۷۸)، تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر روش.
- کمالی، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، بررسی مفهوم جامعه‌پذیری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نکویی سامانی، مهدی (۱۳۸۷)، «اسلام و جهانی شدن، تعامل یا تقابل»، فصلنامه معرفت، شماره ۱۳۳.
- مستندات بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)
- بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، (۱۳۸۸/۲/۲۷).
- بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، (۱۳۷۹/۱۲/۹).
- بیانات در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران، (۱۳۷۹/۲/۱).
- بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، (۱۳۸۰/۸/۱۲).
- بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما، (۱۳۸۳/۹/۱۱).
- بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، (۱۳۸۱/۱۲/۶).
- بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما، (۱۳۸۱/۱۱/۱۵).
- بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، (۱۳۸۱/۶/۲۴).
- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، (۱۳۸۱/۳/۷).
- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، (۱۳۸۰/۶/۱۵).
- پیام به کنگره عظیم حج، (۱۳۸۳/۱۰/۲۹).
- متن کامل بیانات، سخنرانی‌ها، خطبه‌ها، مصاحبه‌ها و دیدارهای مقام معظم رهبری از شهریور ۱۳۶۶ تا آذر ۱۳۹۰.